

**An Examination and Analysis of Iranians' Role in Evolution of
the End of Humanity With an emphasis on the issue of
Reappearance (of Imam Mahdi a.s) and uprising**

Hossain Elahinejad¹

Abstract

The current study seeks to examine and analyze the effective role of Iranians in different stages of the worldwide movement of Imam Mahdi (a.s). This worldwide movement is divided into three stages: reappearance, uprising and global government. The criteria for fulfillment of all the ideals of the divine religions in the end of the world are the reappearance-which heralds the coming of the savior and the uprising-which announces the implementation of the savior's plans and the global government. These three stages come about when the people, their relationships, and their requirements are already operationalized in society in advance. Therefore, people play an important role in the realization of these three great events and in the implementation of their preparations and preliminaries.

According to the narrations in the Shiite and Sunni hadith sources, the role of Iran and Iranians has been important and fundamental among the creatures of the events of reappearance and uprising. The narrations "Rayat al-Saud (black flags)" which report the Iranian movements and currents in the onset of the reappearance, refer to the unique place and role of Iranians specially the role of Rayat al-Saud leaders i.e. Sayyid Khorasani and Shu'aib Ibn Salih in Imam Mahdi worldwide movement as the commanders and leaders for Imam Zaman (a.s). The bottom line is that, Rayat al-Saud has two uses for the events of the reappearance and uprising: first it provides the context for reappearance and uprising and second, it is considered one of signs of reappearance and uprising.

Keywords

Iranians, Iran, reappearance, uprising, Rayat al-Saud, Rayat al-Saud, Shu'aib Ibn Salih, context providers.

1. Faculty member of Islamic Sciences and Culture Academy, hosainelahi1212@isca.ac.ir.

بررسی و تحلیل نقش ایرانیان در تحولات فرجام جامعه بشریت؛ با تأکید بر مسأله ظهور و قیام

حسین الهی نژاد*

چکیده

نوشتار پیش رو، به دنبال بررسی و تحلیل نقش مؤثر ایرانیان در مراحل مختلف نهضت جهانی امام زمان (عج) است. این نهضت جهانی به سه مقطع مهم؛ ظهور، قیام و حکومت جهانی تقسیم می‌شود. ظهور، نویدگر آمدن منجی و قیام، بشارت‌گر اجرای برنامه‌های منجی و حکومت جهانی، ظرف اجرای تمام آرمان‌های ادیان الهی در آخرالزمان است. این سه مقطع، زمانی محقق می‌شوند که پیشاپیش، مناسبات و الزامات آنها از سوی مردم در جامعه، عملیاتی شود. بنابراین، نقش مردم در تحقق آن سه رُخداد عظیم و نیز در اجرای تمهیدات و مقدمات آنها، نقش مهمی است.

بر اساس روایات موجود در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، در میان نقش آفرینان رُخداد ظهور و قیام، نقش سرزمین ایران و ایرانیان، پررنگ و اساسی است؛ به طوری که روایات «رایات السود» - که گزارشگر حرکت‌ها و نهضت‌های ایرانیان در آستانه ظهور می‌باشد - به جایگاه و نقش بی‌بدیل ایرانیان، به ویژه نقش رهبران رایات السود؛ یعنی سید خراسانی و شعیب بن صالح در نهضت جهانی امام زمان (عج) به عنوان فرماندهان و سران لشکر حضرت اشاره می‌کند. نکته آخر این که، رایات السود، برای رُخداد ظهور و قیام دو کاربرد دارد: کاربرد اول، زمینه‌ساز ظهور و قیام و کاربرد دوم، از نشانه‌های ظهور و قیام، تلقی می‌شود.

کلیدواژه‌ها

ایرانیان، ایران، ظهور، قیام، رایات السود، سید خراسانی، شعیب بن صالح، زمینه‌سازان.

۱. مقدمه

در نگرش اسلامی، فرجام تاریخ بشریت آستان حوادث و رخدادهای گوناگون و متنوعی است که در قالب علانم و نشانه‌های ظهور تعریف می‌شوند. این تنوعات و گوناگونیِ حوادث، برخی، منشأ آسمانی دارند؛ نظیر: طلوع خورشید از مغرب و برخی، منشأ زمینی دارند؛ نظیر: خسف پیدا و برخی دیگر، منشأ بشری دارند؛ نظیر: قیام سیدخراسانی، قیام یمانی و خروج سفیانی و نیز برخی دیگر، منشأ ماورائی دارند؛ نظیر، صیحه آسمانی که توسط جبرائیل ندا داده می‌شود. همه این رُخدادها به نحوی معطوف به یک امر مهم و عظیمی است به نام «ظهور» که آمدن امام مهدی (عج) را نوید می‌دهد؛ موعودی که در پی بشارت کتاب‌های آسمانی و وعده انبیای الهی در فرجامین تاریخ بشریت آشکار شده و با ظهور و قیام و حکومت جهانی خویش، بشریت و جوامع بشری را به دیرین‌ترین آرزوی خویش رسانده و برای اولین بار و آخرین بار، خوب و انسانی زندگی کردن را به تجربه بشریت می‌رساند.

آری! رُخداد ظهور، به‌عنوان یک امر عظیم و سرنوشت‌ساز، بدون مقدمات و تمهیدات فردی و اجتماعی و نیز بدون الزامات و پیش‌زمینه‌های فکری و معرفتی ممکن نخواهد بود و برای تحقق و اجرای آن حضور و مشارکت افراد و گروه‌های مؤمن و شایسته به‌عنوان گروه‌های مؤثر و زمینه‌ساز، ضروری و لازم است. در حکومت جهانی - که از مهم‌ترین اهداف قیام می‌باشد - قدرت و سلطه امام زمان علیه السلام شرق و غرب عالم را فرا می‌گیرد، اصحاب و یاران مؤمن حضرت، به‌عنوان حاکمان و والیان کشورها و مناطق مختلف، برگزیده خواهند شد. بر این اساس، در روایات مختلف - که در ادامه خواهند آمد - حضرات معصومین علیهم السلام به نقش تأثیرگذار جغرافیای ایران به‌عنوان سرزمین راهبردی و استراتژیک و به‌عنوان همسایه سرزمین ظهور و قیام؛ یعنی حجاز و عراق با عناوین مختلفی؛ مانند: خراسان، مشرق، فرس، دیلم، طالقان قم و... از آن یاد کرده‌اند و همچنین مردمان این سرزمین را با عناوینی چون؛ انقلابیون مشرق، صاحبان ریات السود، سپاه سیدخراسانی، سپاه شعیب بن صالح، همشهریان سلمان و زمینه‌سازان ظهور، معرفی کرده و نقش آنان را در تحقق ظهور و قیام و حکومت جهانی حضرت، مؤثر، خطیر و بی‌بدیل دانسته‌اند. چنان‌که امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ

بَعْضُهُمْ يَحْمِلُ فِي السَّحَابِ نَهَاراً يَعْرِفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ نَسَبِهِ وَ حَلِيَّتِهِ وَ بَعْضُهُمْ نَائِمٌ عَلَى فِرَاشِهِ فَيُؤَافِيهِ فِي مَكَّةَ عَلَى غَيْرِ مَبْعَادٍ» (نعمانی: ۱۳۹۷: ص ۳۱۵، ح ۸)؛ یاران قائم (عج) سیصد و سیزده نفر غیر عرب (عجم) هستند. بعضی از آنان در روز سوار بر ابر می‌شوند که نام آنها و پدران‌شان و سیمای ظاهری‌شان شناخته شده است و برخی دیگر در بسترهای‌شان در خواب هستند که بدون قرار قبلی در مکه به حضور او می‌رسند. تحقیق پیش‌رو سعی دارد با روش توصیفی-تحلیلی به پرسش اصلی: نقش و جایگاه ایرانیان در نهضت جهانی چیست؟ پاسخی قابل اتکاء دهد.

۲. مفهوم‌شناسی ظهور و قیام

قبل از هر چیزی لازم است در این تحقیق ابتدا به دو امر مهم به نام ظهور و قیام پرداخته شود؛ زیرا اولاً، ظهور و قیام در این نوشتار محور گفتگو هستند. دوم اینکه، ظهور و قیام از نظر ماهیت، کارکرد و رویکرد، تفاوت‌های اساسی دارند. سوم آنکه، بر اساس متفاوت بودن ظهور و قیام، نشانه‌ها و علائم نیز به دو قسم مختلف؛ یعنی نشانه‌های ظهور و نشانه‌های قیام تقسیم می‌شوند و نکته چهارم آنکه، بر اساس همین تقسیمات، حرکت‌ها و جنبش‌های تمهیدی که در آستانه ظهور رخ می‌دهند به دو قسم حرکت‌ها و جنبش‌های تمهیدی ظهور، و حرکت‌ها و جنبش‌های تمهیدی قیام، تقسیم می‌شوند.

در منظومه باورهای مهدویت دو واژه «ظهور» و «قیام» مطرح است که به ظاهر از نظر معنا و مفهوم، قریب‌الافق بوده و نیز از نظر کاربرد و کارکرد، بر آغازین حرکت و نهضت امام زمان (عج) که بعد از غیبت رخ می‌دهد، اطلاق می‌شود، ولی با نگرش دقیق، تفاوت‌ها و تمایزات اساسی میان آن دو به چشم می‌خورد.

«ظهور» در لغت، به معنای: ظاهر شدن و آشکار شدن است (الفراهیدی: ۱۴۱۴ق، ج ۴: ص ۳۷). ولی در اصطلاح، به معنای: ظهور ابرمرد آسمانی حضرت مهدی (عج) و اعلان فرارسیدن روز موعود جهانی می‌باشد. به تعبیر دیگر، وقتی خداوند فرارسیدن روز موعود را اراده کرد و به ولی خود حضرت مهدی (عج)، اجازه ظاهر شدن را داد و حضرت با اعلان جهانی، آمدن خویش را به گوش جهانیان رساند، در این هنگام، ظهور رخ داده است.

«قیام»، از مشهورترین تعبیرها برای انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) است و در اصطلاح، به حرکت و نهضت امام زمان (عج) بعد از ظهور در برابر ستمگران، برای برپایی عدل در سراسر کره زمین اطلاق می‌شود. رهبر جهانی بعد از رخداد ظهور در مدت زمان معین با فراهم کردن شرایط و مقدمات، با لشکریان عظیمی بعد از مراسم بیعت، از مکه خارج شده و با شروع نهضت زمینه تثبیت و استقرار نظام جهانی را پی می‌گیرد که به این مرحله از نهضت، «قیام» اطلاق می‌شود. پس در ظهور، اعلان آمدن منجی و در قیام، اعلان اجرای برنامه‌های منجی مطرح است.

۳. تمایزات ماهوی ظهور و قیام

۳-۱. ظهور، یک امر دفعی و ناگهانی است، اما قیام، یک امر تدریجی است که با تدبیر مستقیم امام مهدی (عج) رخ می‌دهد؛ چنان که درباره ظهور از پیامبر گرامی اسلام ﷺ سؤال می‌شود: «مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ دُرَيْتِكَ، فَقَالَ ﷺ: مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يَجْلِيهَا لَوْفُهَا إِلَّا هُوَ تُقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً» (شیخ صدوق: ۱۳۹۵، ج ۲: ص ۳۸۳، ح ۶)؛ از پیغمبر ﷺ سؤال شد: چه وقتی «قائم» از ذریه‌ات خروج می‌کند؟ فرمود: مثل او، مثل ساعت است که آشکار نکند و قتش را، جز او و نیاید شما را جز ناگهانی. در این روایت؛ گرچه از واژه «یخرج» استفاده شده است، ولی با قرائن مقالیه نظیر کاربست شاخصه «بغته» از واژه یخرج، معنای ظهور برداشت می‌شود.

برخی از تعبیرات روایت بالا، نظیر واژه «بغته»، حکایت از ناگهانی و دفعی بودن ظهور می‌کند و همچنین تشبیه کردن وقت ظهور به وقت قیامت؛ چنان که در قرآن، روی دفعی بودن وقت قیامت تأکید شده است.^۱ پس وقت ظهور نیز مثل وقت قیامت، دفعی و غیرمترقبه خواهد بود.

اما قیام و نهضت جهانی حضرت مهدی (عج)، به صورت تدریجی از مکه شروع می‌شود که روایت ذیل به این مطلب اشاره دارد: امام صادق ﷺ می‌فرماید: «إِذَا أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْقَائِمِ فِي الْخُرُوجِ ... وَ قَدْ وَافَاهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَيَبَايَعُوهُ وَ يَقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يَتِمَّ

۱. إِنَّمَا عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يَجْلِيهَا لَوْفُهَا إِلَّا هُوَ تُقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً (اعراف: ۱۸۷).

أَصْحَابُهُ عَشْرَةَ آلَافٍ نَفْسٍ ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا إِلَى الْمَدِينَةِ» (شیخ مفید: ۱۴۱۳ق، ج ۲: ص ۳۸۳)؛ آن گاه که خداوند به حضرت قائم (عج) اجازه ظهور دهد... متجاوز از سیصد و ده مرد نزد او بیایند و با او بیعت کنند و در مکه بمانند تا یارانش به ده هزار نفر برسد، سپس از آن جا به سوی مدینه حرکت می کند.

در روایت بالا؛ گرچه واژه «خروج» به کار رفته، ولی بر اساس شاخصه های «تدریج» که در آن آمده، به سوی معنای قیام انصراف پیدا می کند؛ زیرا در روایت به این نکته اشاره شده که امام مهدی (عج) بعد از ظهور، در مکه اقامت دارد تا یاران عام حضرت به ایشان پیوندند تا زمینه قیام که حرکت از مکه و رفتن به سوی مدینه است، فراهم شود. پس قیام حضرت بعد از ظهور، به صورت تدریجی با خروج از مکه به سوی مدینه و دیگر نقاط عالم آغاز می شود.

۲-۳. از جمله شرایط ظهور مهیاشدن یاران خاص برای امام مهدی (عج) است. یکی از عواملی که ظهور حضرت را به تأخیر می اندازد و حضرت را همچنان در پس پرده غیبت نگه می دارد، عدم آمادگی یاران خاص با تعداد سیصد و سیزده نفر می باشد. ولی شروع قیام و نهضت جهانی امام مهدی (عج) علاوه بر وجود یاران خاص به یاران عام نیز نیاز است که در برخی روایات بدان اشاره شده است.

امام محمد تقی علیه السلام در این باره می فرماید: «... يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عَدَدُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقْصَى الْأَرْضِ ... فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ أَظْهَرَ أَمْرَهُ فَإِذَا أُكْمِلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ آلَافٍ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ...» (شیخ صدوق: ۱۳۹۵ق، ج ۱: ص ۲۶۸، ح ۱۱)؛ سیصد و سیزده تن از یارانش به تعداد نفرات لشکر اسلام در جنگ بدر از نقاط دور زمین در اطرافش گرد آیند. ... چون این عده در نزد وی اجتماع کنند، رسالت خویش را ظاهر می سازد (یعنی ظهور پیدا می کند) و بعد از آن که پیمان وفاداری میان او و یارانش که ده هزار مرد می باشند، منعقد گردید، فرمان الهی قیام را صادر می نماید.

بی تردید می توان از روایت فوق و امثال آن چنین نتیجه گرفت؛ که با مهیاشدن سیصد و سیزده نفر یاران خاص - که شرط ظهور است - ظهور امام مهدی (عج) تحقق پیدا می کند. اما با مهیاشدن یاران خاص و عام که شرط قیام است، قیام حضرت آغاز می شود،

پس در واقع، آمادگی یاران خاص، شرط ظهور و آمادگی یاران خاص و عام شرط قیام حضرت مهدی (عج) است.

۳-۳. علم به زمان وقوع ظهور تنها نزد خداوند است و کسی غیر از او، از زمان آن اطلاعی ندارد؛ چون در بیان روایات، وقوع ظهور به وقوع قیامت تشبیه شده و چنانچه علم به زمان وقوع قیامت را تنها خدا می‌داند، پس زمان وقوع ظهور را نیز فقط خدا می‌داند. ولی زمان شروع قیام و نهضت جهانی، توسط رهبر جهانی تعیین شده و نیز با تدبیر آگاهانه ایشان چگونگی و زمان قیام تعیین می‌شود (همان، ج ۲: ص ۳۷۲، ح ۶).

امام مهدی (عج) در توقیعی که برای اسحاق بن یعقوب نوشته، فرموده است: «أَمَّا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ وَ كَذَبَ الْوَقَائِدُونَ» (طبرسی: ۱۴۰۳، ج ۲: ص ۴۷۰)، اما ظهور فرج، بسته به خواست خداوند است و تعیین کنندگان وقت، دروغ گویند.

۳-۴. ظهور امام مهدی (عج) از لحاظ زمانی، تقدم بر قیام دارد و موضوع قیام به لحاظ رتبه، متفرع بر ظهور است.

در روایتی از امام صادق علیه السلام، تفاوت ظهور و قیام اشاره شده است: «إِنَّ مِنَّا إِمَامًا مُّظْفَرًا مُّسْتَبْرَأً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ ذِكْرَهُ إِظْهَارَ أَمْرِهِ نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً فَظَهَرَ فَقَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» (کلینی: ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۳۹۳، ح ۳۰)؛ همانا امام پیروز و پنهان از خاندان ماست و چون خدای متعال اراده کند که امر او را ظاهر سازد، در دلش نکته‌ای گذارد، سپس ظاهر شود و به امر خدای تبارک و تعالی قیام کند.

از دو واژه «ظَهَرَ» و «قَامَ» که با حرف «فاء» مرتب شده است، اولاً: دو گانه بودن موضوع ظهور و موضوع قیام برداشت می‌شود. ثانیاً؛ فاصله ترتبی میان قیام و ظهور برقرار می‌شود. ثالثاً: تقدم ظهور و تأخر قیام استنباط می‌شود.

۴. نقش آفرینی ایرانیان در نهضت جهانی امام زمان (عج)

ایرانیان در فرجام تاریخ بشریت که با آمدن منجی آسمانی توأم است، در سه مقطع استراتژیک و مهم؛ یعنی آستانه ظهور، بعد از ظهور و حکومت جهانی ایفای نقش می‌کنند. نقش ایرانیان در حوزه آستانه ظهور که به رُخداد ظهور منتهی می‌شود، به‌عنوان نخستین گروه از زمینه‌سازان ظهور جلوه می‌کند و در حوزه بعد از ظهور که به قیام امام زمان (عج)

منتهی می‌شود، به‌عنوان سران و فرماندهان سپاه امام زمان (عج) نقش ایفاء می‌کنند. پس چنان‌که نهضت جهانی امام زمان (عج) دارای سه بُرهه: ظهور، قیام و حکومت است. مشارکت و حضور زمینه‌سازان نیز بر اساس آن به سه بُرهه: زمینه‌سازی ظهور و زمینه‌سازی قیام و زمینه‌سازی حکومت بازشناسی و تعریف می‌شود که در ذیل به‌صورت مستقل و مجزا به دو برهه نخست آن پرداخته می‌شود.

۴-۱. ایرانیان، نخستین گروه زمینه‌ساز ظهور

در منابع حدیثی شیعه و سنی، سه گروه به‌عنوان زمینه‌ساز ظهور معرفی شده‌اند:

۱. نهضتی که از سوی اهل مشرق شکل می‌گیرد که صاحبان پرچم‌های سیاه هستند. احادیث آن، مورد اتفاق شیعه و سنی است. اینان نخستین زمینه‌سازانند، لکن قیام آنها در راستای یاری حضرت در سال ظهور خواهد بود؛ ۲. گروه یمانی‌ها، بر اساس منابع شیعه این قیام در سال ظهور و مقارن با خروج سفیانی در شام می‌باشد؛
۳. حرکتی بر ضد یهود که در عراق رُخ می‌دهد (کورانی، ۱۳۹۴: صص ۶۷۶-۶۸۴).

۴-۲. نقش آفرینی ایرانیان در رُخداد ظهور

ظهور به‌عنوان رُخدادی بسیار عظیم و سرنوشت‌ساز، تاریخ بشریت را متأثر و متحوّل خواهد کرد و جوامع بشری را به‌سوی خوشبختی و عاقبت به‌خیری هدایت می‌کند. این تحول و تعالی عظیم به‌حدی تأثیرگذار و سرنوشت‌ساز است که علاوه بر زندگی فردی، زندگی اجتماعی بشر را در همه انحاء و ابعاد در نوردیده و تحت تأثیر خود قرار داده و برای اولین بار تجربه خوب زندگی کردن و سالم زیست کردن همراه با رفاه و آسایش را به ذائقه بشر می‌چشانند.

روشن است که گروه‌ها و افرادی که در این فرایند مقدس و سرنوشت‌ساز مشارکت می‌نمایند و با نقش آفرینی خود، بستر تحقق این پدیده مقدس را مهیا می‌کنند باید دارای شاخصه‌های انحصاری و شخصیت بزرگ و صفات عالی باشند تا بر اساس قانون سنخیت، شایستگی این همراهی و این نقش آفرینی را داشته باشند. بر اساس داده‌های روایی که در منابع حدیثی اهل سنت و شیعه، در میان نقش آفرینان این رُخداد، نقش ایران و ایرانیان، نقشی

پُررننگ و تأثیر گذاری بوده؛ به طوری که امیرمؤمنان علی علیه السلام شروع این حرکت و سرآغاز این تحول عظیم را از مشرق می‌داند: «مبدؤه من قبل المشرق» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ص ۳۰۴، ح ۱۳). در کتاب‌های اهل سنت نیز به همین نکته اشاره شده است (البستوی: ۴۲۰ق: ص ۵۳).

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز در این باره می‌فرماید: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْنِي سُلْطَانَهُ» (ابن ماجه: بی تا، ج ۲: ص ۱۳۶۸)؛ در این روایت، رسول اسلام صلی الله علیه و آله به نقش پُررننگ مشرق‌زمینیان - که اهل ایران باشند - اشاره کرده و آنها را مفتخر به لقب زمینه‌سازان ظهور و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) می‌کند.

روایت بالا برای اولین بار از منابع حدیثی اهل سنت؛ یعنی سنن ابن‌ماجه نقل شده است و دیگر منابع حدیثی - اعم از شیعه و اهل سنت - از آن نقل می‌کنند. شافعی در کتاب بیان الشافعی این روایت را از سنن ابن‌ماجه نقل کرده و بعد از توثیق راویان، روایت را صحیح می‌داند. قندوزی نیز این روایت را در کتاب عقد الدرر از سنن ابن‌ماجه با اختلاف واژه «اناس» نقل می‌کند (المقدسی: ۱۳۹۱ق: ص ۱۲۵) و دیگر منابع حدیثی نظیر الطبرانی در المعجم الاوسط (الطبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ص ۹۴)، هیشمی در الصواعق المحرقة (الهیثمی، ۱۳۸۵: ص ۱۶۸)، متقی در کنز العمال (المتقی الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴: ص ۲۶۳) و... همگی از سنن ابن‌ماجه این روایت را نقل می‌کنند. اما در منابع حدیثی شیعه، چند منبع به نقل این روایت از سنن ابن‌ماجه پرداخته‌اند. نظیر مغربی در شرح الاخبار (المغربی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ص ۵۶۳)، مجلسی در بحار الانوار (مجلسی، بی تا، ج ۵۱: ص ۸۷) و اربلی در کشف الغمه (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ص ۴۷۷).

مقصود نهایی در نقل این روایت و تبیین آن، بیان نقش سرنوشت‌ساز مشرقیان^۱ - که در نگاه کلی شامل ایرانیان می‌شود - در بسترسازی ظهور است؛ یعنی مضمون و محتوای روایت، اشاره به حرکت و تلاش ایرانیان در زمینه‌سازی ظهور و تحقق جامعه آرمانی مهدوی دارد.

۱. شایان ذکر است؛ گرچه واژه «مشرق» بر اساس نقش‌های تاریخی منطبق بر ایران بزرگ؛ یعنی ایران فعلی و قسمتی از سرزمین‌های مجاور نظیر: افغانستان، پاکستان، ترکمنستان و... بوده و روایات نیز به این نقشه بزرگ اشاره دارند، ولی با قرائن و شواهدی که در برخی روایات آمده و واژه «مشرق» در کنار واژه «فرس» آمده، بیشتر اشاره به نژاد خاص دارد (هاشمی شهیدی، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج): ص ۱۵۳).

امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يَعْطُونَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يَعْطُونَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۷۳، ح ۵۰)؛ گویا مردمی را می‌بینم که در شرق برای طلب نمودن حق (حکومت) قیام کرده‌اند، ولی این حق را به آنها نمی‌دهند. باز آنها قیام می‌کنند، ولی باز نمی‌رسند؛ وقتی که چنین دیدند شمشیرهای خود را حمایل می‌کنند و آن‌گاه آنچه را که می‌خواهند به آنها می‌دهند ولی آنها نمی‌پذیرند تا آن‌که کارشان سامان پیدا کند و این حق را به کسی نمی‌دهند، جز به صاحب شما، مقتولین آنها از جمله شهیدانند. آگاه باشید! اگر من آن روز را درک می‌کردم، خود را برای صاحب‌الامر ذخیره می‌کردم.

برخی از روایات زمینه‌ساز - از نظر مضمون و محتوا - به قدری روشن است که نیاز به توضیح ندارد. روایت مورد نظر نیز از این قبیل است؛ زیرا امام باقر علیه السلام در این روایت اولاً؛ یک حرکت و نهضتی را ترسیم می‌کند که مبدأ آن مشرق زمین می‌باشد. ثانیاً؛ مردمان آن دارای شاخصه‌های شجاعت، مقاومت و قداست هستند؛ زیرا از سویی با دشمنان خدا بدون هیچ ترس و واهمه‌ای مبارزه می‌کنند و از سوی دیگر، دارای روحیه قوی و خستگی‌ناپذیری می‌باشند و از دیگر سوی به خاطر شاخصه حق‌مداری، نهضت و قیام‌شان مقدس بوده و کشته‌های آنها شهید به حساب می‌آیند. ثالثاً؛ همه این حرکت‌ها و تلاش‌ها برای تحقق ظهور و بسترسازی برای آمدن منجی بشریت حضرت مهدی (عج) می‌باشد: «لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۷).

این روایت، برخلاف روایت قبل، تنها از منابع حدیثی شیعه؛ یعنی در کتاب الغیبه نعمانی نقل شده و در ادامه تنها علامه مجلسی در بحارالانوار با اختلاف اندکی از الغیبه نعمانی نقل نموده است و غیر از این دو کتاب، در هیچ منبع شیعه و سنی این روایت نقل نشده است.

۳-۴. نقش آفرینی ایرانیان در رخداد قیام

این رخداد با آغازین حرکت امام زمان (عج) از مکه به سوی مدینه شروع شده و از

مدینه به سوی کوفه و از آنجا به اطراف جهان گسترش پیدا می‌کند که در این مقطع و فرایند نیز نقش ایران و ایرانیان با وجود روایات بسیار بر کسی پوشیده نیست که در ادامه، تنها به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

امام سجاد علیه السلام در این باره می‌فرماید: «يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجُ رَجُلٍ يَقَالُ لَهُ عَوْفُ السَّلْمِيِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ يَكُونُ مَأْوَاهُ تَكَرُّيْتٌ وَ قَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقَ ثُمَّ يَكُونُ خُرُوجُ شُعَيْبِ بْنِ صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدٍ ثُمَّ يَخْرُجُ السُّفْيَانِيُّ الْمَلْعُونُ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ وَ هُوَ مِنْ وُلْدِ عَثْبَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ فَإِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانِيُّ اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ ثُمَّ يَخْرُجُ بَعْدَ ذَلِكَ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۹ق: ص ۴۴۳)؛ پیش از آمدن او، مردی بنام عوف بن سلمی از جزیره^۱ خروج می‌کند، او در تکریت سکونت دارد و در مسجد دمشق کشته می‌شود. آنگاه شعیب بن صالح از سمرقند خروج می‌کند و سپس سفیانی ملعون از بیابان یابس می‌آید. سفیانی از اولاد عتبه بن ابی سفیان است، وقتی او خروج می‌کند، مهدی پنهان است و بعد از آن، قیام می‌کند.

روایت فوق، تنها در منابع حدیثی شیعه با تفاوت اندکی نقل شده است؛ نظیر: الغیبه شیخ طوسی، الخرائج راوندی، منتخب الانوار نیلی و بحار الانوار مجلسی (مجلسی، بی تا، ج ۵۲: ص ۲۱۳، ح ۶۵). در کتاب الخرائج و منتخب الانوار به جای جمله: «اخْتَفَى الْمَهْدِيُّ»، جمله «أَخَذَ فِي الْمَهْدِيِّ»، (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ص ۱۱۵۵؛ نیلی، ۱۴۰۱ق: ص ۳۱) آمده است، ولی در کتاب بحار الانوار، همان متنی نقل شده که در الغیبه طوسی منقول است.

از متن و محتوای روایت، برداشت می‌شود که قبل از قیام امام زمان (عج) - نه ظهور حضرت - سه نوع حرکت اجتماعی با سه نوع نگرش به وقوع می‌پیوندد: حرکتی که از جزیره با فرماندهی عوف السلمی آغاز می‌شود و در دمشق خاتمه می‌یابد و حرکتی که از سمرقند (خراسان) با فرماندهی شعیب بن صالح شروع می‌شود و سوم، حرکتی که از منطقه شامات به سرکردگی سفیانی خواهد بود که یکی از اهداف این حرکت، یافتن امام

۱. اعراب، بلاد بین‌النهرین علیا را جزیره می‌نامند؛ زیرا آب‌های دجله و فرات علیا جلگه‌های آنجا را در برمی‌گرفت. این سرزمین به سه قسمت تقسیم می‌گردید و هر قسمت را دیار می‌گفتند و عبارت بوده از: دیار بکر و دیار ربیعه و دیار مضر؛ بنام سه قبیله: ربیعه و مضر و بکر که در زمان‌های قبل از اسلام به فرمان سلاطین ساسانی به آنجا کوچ نموده و مسکن هر قبیله بنام آن قبیله موسوم شده بود. موصل، در ساحل دجله بزرگ‌ترین شهر دیار ربیعه بود و رقه در ساحل فرات، مرکز دیار مضر و آمد در ساحل دجله علیا، بزرگ‌ترین شهر دیار بکر و دیار بکر شمالی‌ترین این سه دیار بود (لسترنج، گای، ۱۴۲۱ق: ص ۱۲۴، ذیل واژه جزیره).

زمان (عج) و مبارزه با او است. گزینه‌ای که در متن این روایت، قرینه بر مقصود است، گزینه‌های «اُخْتَفَى الْمَهْدِيُّ» و «أَخَذَ فِي الْمَهْدِيِّ» می‌باشد؛ زیرا مخفی شدن حضرت مهدی (عج) و این که سفیانی به دنبال یافتن او می‌باشد، همگی دلالت بر این دارد که امام زمان (عج) ظهور کرده است. پس صحیح این است که بگوئیم این سه نوع حرکت؛ در واقع، نشانه قیام امام زمان (عج) هستند، نه نشانه ظهور؛ زیرا بعد از ظهور، قیام امام زمان (عج) آغاز می‌شود که جهت رخدادش نیاز به علائم و نشانه دارد که امام سجاد علیه السلام در این روایت این سه نشانه را بر می‌شمارد که برخی به عنوان دوستان و یاران امام زمان (عج) به دنبال مساعدت و همراهی ایشان خواهند بود و آنها سپاهیان شعیب بن صالح هستند و برخی به عنوان دشمنان و مخالفان حضرت به دنبال مبارزه و دستگیری او می‌باشند که آنها سفیانی و سپاهیان ایشان هستند.

از مباحث مهم درباره یاران و انصار امام زمان (عج) در هنگام قیام، مباحثی چون؛ جنسیت یاران، نژاد یاران، خاستگاه یاران، ماهیت یاران و منزلت یاران مطرح می‌شود که در جای خود باید به تفصیل پرداخته شود. اما اجمال قضیه اینکه، در مقوله جنسیت؛ به مرد و زن بودن یاران اشاره می‌شود و در مقوله نژاد؛ به قومیت یاران پرداخته می‌شود و در مقوله خاستگاه؛ به مناطق جغرافیای یاران توجه می‌شود و در مقوله ماهیت؛ به بشری و غیربشری بودن یاران عنایت می‌شود و در نهایت، در مقوله منزلت؛ به شأن و جایگاه یاران پرداخته می‌شود. اکنون با این الگو، روایتی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌شود: «فَيُخْرِجُ وَ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ ثَقَفَهُمْ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ يَخْرُجُ وَ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ ميكائيلُ عَنْ يسارِهِ وَ شُعَيْبُ وَ صَالِحٌ عَلَى مُقَدَّمَتَيْهِ (شیخ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ص ۲۶۸، ح ۱)؛ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش ابی کعب که از علامت ظهور می‌پرسد، می‌فرماید: امام مهدی، پرچمی دارد که هنگام ظهور به اهتزاز در می‌آید و شمشیری دارد که وقت ظهور از غلاف خارج شده و به وی می‌گوید: ای ولی خدا! برخیز و با دشمنان خدا بجنگ و در ادامه حضرت می‌فرماید: امام مهدی، برای مبارزه و اجرای حدود الهی پیا می‌خیزد؛ در حالی که جبرائیل امین در طرف راست و میکائیل در طرف چپ و شعیب بن صالح در پیشاپیش او قرار دارند.

این روایت در دو منبع، با تفاوت‌هایی نقل شده است. مثلاً در کمال‌الدین واژه «شعیب و

صالح» ذکر گردیده است ولی در خرائج راوندی واژه «شعیب بن صالح» (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲: ص ۵۵۰) نقل شده است.

شایان ذکر است که ابتدای روایت اشاره به ظهور و نشانه‌های ظهور دارد، ولی در ادامه، به بحث قیام امام زمان (عج) و یاران او می‌پردازد؛ زیرا عبارت «يَقْتُلُ أَغْدَاءَ اللَّهِ حَيْثُ تَقِفُهُمْ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ» که به معنای جنگیدن امام زمان (عج) و حرکت ایشان برای اجرای حدود الهی است، قرینه و دلیل می‌شود بر این که منظور از خروج حضرت، ظهور نیست بلکه مقصود قیام امام زمان (عج) می‌باشد؛ زیرا مبارزه با دشمنان و اجرای حدود الهی در هنگام قیام حضرت قابل اجرا است و نیز در این روایت، در میان مؤلفه‌های یاران حضرت، به دو مؤلفه یعنی؛ ماهیت یاران و منزلت یاران پرداخته شده است. از نظر ماهیت باید گفت که امام زمان (عج) در نهضت خویش از همه ظرفیت‌ها و نیروهای موجود اعم از انسان‌ها، فرشته‌ها، ملائک، جنیان برای پیشبرد اهداف خویش استفاده می‌نماید و از نظر جایگاه و منزلت یاران، باید گفت که نقش ایرانیان در این نهضت، نقش حساس و مهمی است؛ زیرا شعیب بن صالح که پیشاپیش حضرت حرکت کرده و به‌عنوان فرمانده کل قوای ایشان می‌باشد، از نظر نژاد و قومیت، ایرانی است.

پیرامون نقش خطیر ایرانیان در سپاه امام زمان (عج)، شیخ طوسی نیز روایتی از عمار یاسر نقل می‌کند: «يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ عَلَى لُؤَائِهِ شَعِيبُ بْنُ صَالِحٍ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۹: ص ۴۶۲). همچنین در این باره امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَيَحَا لِلطَّلَقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا كُنُوزًا كَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا فِضَّةٍ وَ لَكِنْ بِهَا رَجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَيْضًا أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ص ۴۷۸، الباب الخامس)؛ خوشا به حال طالقان! خدا را در آنجا گنج‌هایی است که از طلا و نقره نمی‌باشد، بلکه آن گنج‌ها، مردان مؤمنی هستند که خدا را به خوبی شناخته‌اند؛ آنها در آخرالزمان از یاران مهدی خواهند بود.

۵. نقش رایات السود در نهضت جهانی

از نشانه‌های ظهور امام زمان (عج)، حرکت «رایات سود» از مشرق است. پیرامون رایات سود، روایات بسیاری از حضرات معصومین (علیهم السلام) در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است. واژگان همسو با قیام رایات سود، قیام اهل خراسان (المتقی الهندی، ۱۴۰۹: صص ۵۸۸ و ۵۸۹)، قیام

اهل طالقان (ابن حنبل، بی تا، ج ۵: ص ۲۷۷)، قیام اهل الفرس (المتقی الهندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ص ۹۰) است که در روایات مختلف بدان اشاره شده است. نکته مهمی که در اینجا باید بدان پرداخت این است که روایات رایات السود به دو مقطع زمانی؛ یعنی، آستانه ظهور و بعد از ظهور - که از آن به قیام یاد می‌شود - اشاره دارند؛ یعنی در برخی از این روایات، نهضت رایات سود در قالب زمینه‌سازی ظهور و یا نشانه ظهور امام زمان (عج) توجیه می‌شود و در برخی دیگر، برای زمینه‌سازی قیام امام زمان (عج).

از محتوا و متن روایات این باب، به خوبی برداشت می‌شود که رایات السود - که در واقع ایران و ایرانیان هستند - در دو مقطع مهم انقلاب جهانی؛ یعنی ظهور و قیام نقش مهمی ایفاء می‌کنند. نکته قابل ذکر این که؛ روایات رایات السود هم در منابع حدیثی شیعه و هم در منابع حدیثی اهل سنت آمده است، اما تفاوت‌هایی در این نوع منقولات وجود دارد که کاربرد آنها را متفاوت می‌کند و آن این که در منابع حدیثی شیعه، بیشتر روایات «رایات السود» به عنوان نشانه‌های ظهور و در قالب زمینه‌سازان ظهور نقل شده است ولی در منابع حدیثی اهل سنت این نوع روایات، بیشتر به عنوان نشانه‌های قیام و در قالب یاران و انصار امام مهدی (عج) صادر شده است.

۱-۵. رایات السود و زمینه‌سازی ظهور

چنان که بیان شد «رایات السود» که از آن، انقلابی از مشرق و خراسان یاد می‌شود، پیام آور دو رخداد مهم؛ یعنی: رخداد ظهور و رخداد قیام است. در این قسمت تنها به برخی از روایاتی که رایات السود را به عنوان زمینه‌سازان ظهور و نشانه‌های ظهور تلقی می‌کنند و نه نشانه‌های قیام امام زمان (عج)، پرداخته می‌شود:

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَّاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بَعَثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ص ۱۱۵۹)؛ پرچم‌های سیاه از خراسان حرکت کرده و در کوفه فرود می‌آیند، در این هنگام مهدی (عج) آشکار شده و آنان برای بیعت به سویش گام بر می‌دارند.

این روایت در سه منبع شیعه؛ یعنی الغیبه نعمانی و الخرائج و الجرائح رواندی و الغیبه طوسی (شیخ طوسی، ۱۴۰۹: ص ۴۵۲) و در کتاب الفتن نعیم بن حماد (ابن حماد، ۱۴۱۴: ص ۱۹۰)

از منابع اهل سنت نقل شده است. و در منابع دست دوم؛ نظیر بحارالانوار که از الغیبه نعمانی نقل کرده و عقد الدرر (المقدسی، ۱۳۹۱: ص ۱۲۹) که از کتاب الفتن آورده است، حدیث مذکور ذکر شده است.

از این روایت چهار نکته می توان برداشت کرد: ۱. مبداء صاحبان رایات السود، خراسان است؛ ۲. مقصد انقلابیون رایات السود، کوفه می باشد. ۳. هدف نهضت رایات السود، بیعت با امام زمان علیه السلام است. ۴. حرکت رایات السود، قبل از رُخداد ظهور می باشد. پس نتیجه گرفته می شود که انقلاب صاحبان رایات السود، نشانه ظهور امام زمان علیه السلام بوده و نقش آنان نیز نقش زمینه سازی ظهور می باشد.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید: «انْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ، فَقِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَا هُنَّ، فَقَالَ: اخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ وَ الرَّيَاثُ السُّودُ مِنْ خُرَاسَانَ وَ الْفُرْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ» (نعمانی: ۱۳۹۷، ص ۲۵۱)؛ از سه نشانه، به انتظار فرج باشید. عرض شد: یا امیر المؤمنین آن سه چیز کدامند؟ فرمود: اختلاف داخلی که میان شامیان افتد و پرچم های سیاه از خراسان و وحشتی در ماه رمضان.

این روایت تنها در منابع شیعه نظیر فضائل امیرالمؤمنین (کوفی، ۱۴۲۴ق: ص ۲۰۲) و الغیبه (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ص ۲۵۱) نقل شده است و در منابع اهل سنت تنها در عقد الدرر (المقدسی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۴)؛ آن هم به نقل از الغیبه نعمانی ذکر گردیده است که محتوای آن، بیان گر علائم و نشانه های ظهور است.

همچنین، امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایت دیگری به نقل از منابع اهل سنت می فرماید: «يلتقي السفيناني ذا الرايات السود، فيهم شاب من بني هاشم، في كفه اليسرى خال، و علي مقدمته رجل من بني تميم، يقال له شعيب بن صالح، بباب إصطخر، فتكون بينهم ملحمة عظيمة، و تظهر الرايات السود، و تهرب خيل السفيناني، فعند ذلك يتمنى الناس المهدي و يطلبونه» (نعيم بن حماد، ۱۴۱۴: ص ۱۹۷)؛ سپاه سفینانی مقابل سپاه رایات السود که در آنها جوانی از بنی هاشم است، قرار می گیرد که در دست چپ آن جوان، نشانه ای است و پیشاپیش لشکر رایات السود مردی از نژاد بنی تمیم به نام شعیب بن صالح قرار دارد. در منطقه اصطخر میان این دو لشکر جنگ بزرگی رخ می دهد که سرانجام آن با پیروزی رایات السود و فرار سپاهیان سفینانی تمام می شود. در این هنگام است که مردم حضور

حضرت مهدی را آرزو کرده و او را طلب می‌نمایند.

روایت بالا تنها از کتاب الفتن نعیم بن حماد از منابع اهل سنت نقل شده و صاحب کتاب عقداالدرر (المقدسی، ۱۳۹۱: ص ۱۲۷) و کنز العمال (المتقی الهندی، ۱۴۰۹، ج ۱۴: ص ۵۸۸) نیز از آن نقل نموده‌اند. در این روایت، به درگیری و جنگ دو سپاه سفیانی و خراسانی اشاره شده که به پیروزی رایات السود منجر می‌شود و رهبری رایات السود با جوانی از طایفه بنی‌هاشم و فرماندهی این سپاه به عهد مردی از طایفه بنی‌تمیم به نام شعیب بن صالح است که در نهایت، همگی به دنبال حضرت مهدی حرکت کرده و او را طلب می‌کنند. هدف از نقل این روایت، اثبات این نکته است که حرکت رایات السود و جنگ و مبارزه با سپاه سفیانی، همگی برای رسیدن به ظهور امام زمان علیه السلام است. بنابراین، حرکت رایات السود حرکتی قبل از رخداد ظهور بوده و در واقع، این حرکت برای زمینه‌سازی ظهور می‌باشد نه قیام امام زمان علیه السلام.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به ابابصیر که از زمان ظهور امام مهدی علیه السلام می‌پرسد، می‌فرماید: «یا ابا محمد! انا اهل البیت لأتوفاً وقد قال محمد صلى الله عليه وآله كذب الوفائون یا ابا محمد! ان قدام هذا الامر خمس علامات أولهن النداء فی شهر رمضان و خروج السفیانی و خروج الخراسانی و قتل النفس الزکیة و خسف بالیداء» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۸۹، ح ۶؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۵۲: ص ۱۱۹، ح ۴۸)؛ ما اهل بیتی هستیم که وقت آن را تعیین نمی‌کنیم؛ زیرا پیغمبر فرمود: آنها که وقت آن را معین می‌کنند، دروغ‌گو هستند. پیش از ظهور قائم پنج علامت می‌باشد: اول صدای آسمانی که در ماه رمضان شنیده می‌شود؛ دوم، خروج سفیانی؛ سوم، خروج مردی از اهل خراسان؛ چهارم، کشته شدن نفس الزکیه و پنجم، فرورفتن زمین در بیداء.

امام رضا علیه السلام نیز درباره نشانه‌های ظهور می‌فرماید: «قَبْلَ هَذَا الْأَمْرِ السُّفْيَانِيُّ وَالْيَمَانِيُّ وَالْمَرْوَانِيُّ وَ شُعَيْبُ بْنُ صَالِحٍ»، (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۵۳، ح ۱۲).

شایان ذکر است، علاوه بر توضیحاتی که پیرامون برخی از روایات داده شد، لازم است در آخر به یک نکته کلی پیرامون همه روایات این باب اشاره شود و آن اینکه اولاً، رابطه رایات السود و ظهور، رابطه کارکردی است و ثانیاً، این کارکرد با دو کاربرد زمینه‌سازی ظهور و نشانه ظهور توجیه می‌شود. به بیان دیگر، کارکرد و نقش «رایات السود» در مورد

ظهور، یک بار به صورت زمینه‌سازی ظهور توجیه می‌شود و بار دیگر در قالب نشانه و علائم رخداد ظهور جلوه می‌کند.

۲-۵. رایات السود و زمینه‌سازی قیام

چنان‌که بیان شد رویکرد اول در رایات السود، رویکردی بود که زمینه‌سازی ظهور را تسهیل می‌کرد و رویکرد دوم در رایات السود، رویکردی است که بسترسازی قیام امام زمان (عج) را توجیه می‌کند که در این قسمت به تشریح آن پرداخته می‌شود. مشارکت و حضور افراد در رویکرد دوم، بیشتر در قالب انصار و یاران امام زمان (عج) تعریف می‌شود. بر این اساس، نقش صاحبان رایات السود - که اهل فارس و خراسان هستند - به‌خصوص، نقش سیدخراسانی و شعیب بن صالح به‌عنوان فرمانده سپاه امام زمان (عج)، نقش بارزی است که در ادامه، ضمن بیان رویکرد دوم، به ذکر روایات این باب همراه با تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

احمد بن حنبل در مسند خویش، روایتی از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل می‌کند: «إذا رأيت الرايات السود قد جاءت من قبل خراسان فانتوها و لو حبوا على الثلج فان فيها خليفة الله المهدي» (ابن حنبل: بی تا، ج ۵: ص ۲۷۷).

روایت فوق تنها از منابع اهل سنت نقل شده و در منابع شیعه تنها در سه کتاب: بحارالانوار مجلسی (مجلسی، بی تا، ج ۵۱: ص ۸۲) و کشف الغمه اربلی (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ص ۴۷۲) و الملاح و الفتن سید بن طاووس (ابن طاووس، ۱۳۷۰: ص ۵۳)، آن‌هم به نقل از الفتن ابن حماد - از منابع اهل سنت - آمده است.

درباره رایات السود، روایت بالا بیشترین حجم و نقل را در میان منابع اهل سنت به خود اختصاص داده است و غالب کتاب‌های حدیثی اهل سنت به نحوی این روایت را در منقولات خویش آورده‌اند؛ البته با اندک تفاوتی. مثلاً در کتاب عقداالدرر (المقدسی، ۱۳۹۱: ص ۱۲۵) به جای «قد جاءت»، جمله «قد اقبلت» آمده است و یا در المستدرک (النیشابوری، بی تا، ج ۴: ص ۵۰۲)، جمله «فاستقبلوها مشيا على اقدامکم» اضافه شده است. با این که روایت مورد نظر با منقولات متفاوتی از نظر واژگان و کلمات روبرو است، ولی در نقل این جمله: «فان فيها خليفة الله المهدي»، همه منقولات مشترک هستند. جمله‌ای که قرینه است بر اینکه

صاحبان رایات السود نقش یاران و اصحاب امام زمان (عج) را ایفاء می‌کنند؛ یعنی حرکت این‌ها در قالب رویکرد زمینه‌سازی برای قیام امام زمان (عج) تعریف می‌شود؛ نه زمینه‌سازی برای رخداد ظهور؛ زیرا محتوا و متن حدیث، حرکت و تداوم رایات السود را در زمانی دانسته که امام زمان (عج) ظهور کرده و خود حضرت در میان انقلابیون حضور دارد. براین اساس، ظاهر متن و قرینه مذکور، رایات السود در اینجا، دلیل بر نشانه‌های قیام حضرت هستند؛ نه نشانه ظهور امام زمان (عج) و مردم در این مقطع حساس، وظیفه دارند تحت هر شرایطی خودشان را به این نهضت - که به حضور امام زمان (عج) مزین است - رسانده و با همراهی کردن از آن نقش خویش را ایفاء نمایند.

همچنین، رسول گرامی اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: «يُقْتَلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةٌ؛ كُلُّهُمْ ابْنُ خَلِيفَةٍ، ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ، ثُمَّ تَطْلُعُ الرِّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، فَيَقْتُلُونَكُمْ قِتْلًا لَمْ يَقْتُلَهُ قَوْمٌ، ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ، فَبَايِعُوهُ وَ لَوْ حَبْوًا عَلَى التَّلْحِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِي» (ابن ماجه، بی تا، ج ۲: ص ۱۳۶۷)؛ در نزد گنج شما سه تن کشته می‌شوند که همه فرزندان خلیفه می‌باشند و بعد از آنها، آن منصب به هیچ‌یک از آنان نمی‌رسد تا آن‌گاه که پرچم‌های سیاه از سوی مشرق پدید آید و شما را طوری به قتل رسانند که هیچ قومی را بدان وضع نکشته باشند. سپس راوی چیزی گفت که من حفظ نکردم. آن‌گاه فرمود: چون او را ببینید با وی بیعت کنید؛ هر چند به رفتن از روی برف باشد، چون وی، مهدی، خلیفه خداست.

این روایت، علاوه بر این که در سنن ابن ماجه آمده، در کتاب مستدرک (النیسابوری، بی تا، ج ۴: ص ۴۶۳) نیز آمده است و در منابع شیعه نیز در بحارالانوار (مجلسی، بی تا، ج ۵: ص ۸۷، الباب الرابع) و کشف الغمه (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ص ۴۷۷، الباب الرابع) به نقل از سنن ابن ماجه ذکر گردیده است.

در این روایت نیز مثل روایت قبل، رایات السود از جمله نشانه‌های قیام امام زمان (عج) تلقی می‌شود؛ زیرا از جمله: «فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِي» برداشت می‌شود که شروع این نهضت بعد از ظهور بوده و خود حضرت مهدی (عج) در این نهضت حضور دارند. امام باقر علیه السلام نیز در یک روایت طولانی می‌فرماید: «إِذْ أَقْبَلَتْ رَايَاتُ مِنْ قِبَلِ حُرَّاسَانَ وَ تَطْوَى الْمَنَازِلَ طَيًّا حَثِيثًا وَ مَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ» (نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۲۸۰، ح ۶۷).

در نهایت، نتیجه می‌گیریم که انقلاب رایات السود - که خاستگاه ایرانی داشته، نفرات و سپاه آن نیز ایرانی می‌باشند و در دو مقطع حساس و سرنوشت ساز ظهور و قیام امام زمان (عج) نقش ایفاء می‌کنند - نقش بسیاری بارز و مهمی داشته که امام زمان (عج)، فرماندهی سپاه خویش را به آنان واگذار کرده و شعیب بن صالح فرمانده رایات السود را به‌عنوان فرمانده کل قوای خویش بر می‌گزیند و نکته بعدی اینکه، روایات رایات السود در هر دو منبع حدیثی شیعه و اهل سنت نقل شده است، ولی با توجه به کثرت منقولات در منابع اهل سنت و با عنایت به توجه ویژه و فراگیر محدثان اهل سنت به آن، نمی‌توان آن را با منقولات محدود شیعه مقایسه کرد.

نتیجه‌گیری

نهضت مقدس امام زمان (عج) به‌عنوان یک نهضت جهانی و فراگیر، دارای دو حوزه استراتژیک به نام؛ ظهور و قیام است. یکی، اعلان آمدن و پیدائی را نوید می‌دهد و دیگری، بشارت اعلان حرکت و اجرائی. هر کدام از آن دو مقطع سرنوشت‌ساز، دارای مناسبات و الزاماتی است که با فراهم شدن آنها ظهور و قیام تحقق پیدا می‌کند و با این حرکت، زمینه‌های مشارکت و حضور همگانی نقش آفرینان اعم از انسان‌ها، فرشته‌ها و جنیان فراهم شده است. مهم‌ترین و خطرناک‌ترین نقش در این عرصه جهانی به انسان‌ها و نیز در میان انسان‌ها به ایرانیان داده شده است. بر اساس داده‌های تاریخی و روائی، حضور و مشارکت ایرانیان در نهضت جهانی امام زمان (عج) در دو حوزه ظهور و قیام، حضور سرنوشت‌ساز و تأثیرگذاری است؛ به‌طوری که بر اساس روایات رایات السود، نقش ایرانیان به‌ویژه سید خراسانی و شعیب بن صالح در میان لشکریان امام زمان (عج) به‌عنوان فرماندهان حضرت، نقش مهم و خطیری است.

در پایان به سه نکته اساسی اشاره می‌شود:

۱. چنان که بیان شد، نهضت جهانی امام زمان (عج) دارای دو رویکرد ظهور و قیام است. بر همین اساس، رایات السود نیز علاوه بر این که با این دو رویکرد توجیه می‌شود، دارای دو کارکرد نیز می‌باشد؛ زیرا رایات السود یک‌بار برای ظهور در قالب زمینه‌سازی

ظهور نقش ایفاء می‌کند و بار دیگر در قالب نشانه و علائم ظهور. همین دو کارکرد را می‌توان برای قیام نیز در نظر گرفت؛

۲. روایات «رایات السود» که بیانگر حرکت و انقلاب مردمان ایران زمین است، در منابع اهل سنت به مراتب بیشتر از منابع حدیثی شیعه پرداخته شده و به نوعی غالب کتاب‌های حدیثی اهل سنت به نحوی به این موضوع توجه کرده‌اند؛

۳. تفاوتی که میان دو منبع حدیثی شیعه با اهل سنت پیرامون روایات «رایات السود» وجود دارد، این است که رایات السود در منابع شیعه، بیشتر معطوف به ظهور و در منابع اهل سنت، بیشتر معطوف به قیام است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب نامہ

١. ابن حجر الہیثمی، احمد (١٣٨٥ق)، الصواعق المحرقة، تحقیق: عبدالوہاب عبداللطیف، مصر: مکتبہ القاہرہ.
٢. ابن حماد، نعیم (١٤١٤ق)، الفتن، بیروت: دارالفکر للطباعہ و النشر و التوزیع.
٣. ابن حنبل، احمد (بی تا)، مسند حنبل، بیروت: دار صادر.
٤. ابن طاووس، علی بن موسی (١٣٧٠)، الملاحم و الفتن، قم: نشر شریف رضی.
٥. ابن عبدالکریم نیلی، علی (١٤٠١ق)، منتخب الانوار، قم: نشر خیام.
٦. ابن یزید، محمد (بی تا)، سنن ابن ماجہ، تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، بی جا.
٧. اربلی، علی (١٣٨١ق)، کشف الغمہ، تبریز: نشر بنی ہاشمی.
٨. الطبرانی، سلیمان بن احمد (١٤١٥ق)، المعجم الاوسط، دارالحرمین للطباعہ و النشر و التوزیع، بی جا.
٩. الفراہیدی، خلیل بن احمد (١٤١٤ق)، العین، قم: نشر اسوہ.
١٠. المتقی الہندی (١٤٠٩ق)، کنز العمال، بیروت: موسسہ الرسالہ.
١١. المغربی، قاضی نعمان (١٤١٦ق)، شرح الاخبار، تحقیق: السید محمد الحسنی الجلالی، قم: جامعہ مدرسین.
١٢. المقدسی، یوسف بن یحیی (١٣٩١ق)، عقد الدرر، قاہرہ: مکتبہ عالم الفکر.
١٣. المناوی، محمد عبدالرئوف (١٤١٥ق)، فیض القدیر شرح الجامع الصغیر، تصحیح: أحمد عبدالسلام، بیروت: دارالکتب العلمیہ.
١٤. النیشابوری، الحاکم (بی تا)، المستدرک، تحقیق: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی جا.
١٥. راوندی، سید قطب (١٤٠٩ق)، الخرائج و الجرائح، قم: مدرسہ امام مہدی (عج).
١٦. رجب البرسی، الحافظ (١٤١٩ق)، مشارق انوار الیقین، تحقیق: السید علی عاشور، بیروت: موسسہ الاعلمی للمطبوعات.

۱۷. صدوق، شیخ محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: نشر اسلامی.
۱۸. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: انتشارات مرتضی.
۱۹. طوسی، شیخ محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، الغیبه، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۲۰. _____ (۱۴۱۱ق)، کتاب الغیبه، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۲۱. عبدالعلیم، عبدالعظیم البستوی (۱۴۲۰ق)، المهدی المنتظر (عج) فی ضوء الأحادیث والآثار الصحیحة، بیروت: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزیع.
۲۲. کلینی، شیخ محمد بن یعقوب (۱۳۶۲)، الکافی، تهران: نشر اسلامی.
۲۳. کورانی عاملی، علی (۱۳۹۴)، فرهنگ موضوعی احادیث امام مهدی (عج)، ترجمه: حسین نائینی، قم: نشر معروف.
۲۴. کوفی، ابن عقده (۱۴۲۴ق)، فضائل امیر المومنین، قم: نشر دلیل ما.
۲۵. لسترینج، گای (۱۴۱۲ق)، البلدان الخلفه الشرقيه، قم: شریف رضی.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (بی تا)، بحار الانوار، تهران: اسلامی.
۲۷. مفید، شیخ محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الارشاد، قم: کنگره شیخ مفید.
۲۸. نعمانی، محمد (۱۳۹۷ق)، الغیبه، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۲۹. هاشمی شهیدی، سیداسدالله (۱۳۸۰)، زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)، قم: انتشارات پرهمیزگار.